

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال دوم
شماره ۱۶ - تیر ۱۳۸۰ - ژوئیه ۲۰۰۱

تاکتیک‌های ما و تاکتیک‌های آنها

به رئیس جمهوری نیاز دارند که نه آن چنان رای آورد که تفوق روانی پیدا کند و نه آن چنان بی‌رای باشد که خطری موجودیت نظام را تهدید نماید. آنها به یک خاتمی بی پر و بال نیاز دارند که با سخنانش مردم را دلداری دهد و با اعمالش در حفظ نظام کنونی بکوشد. خاتمی که در چهار سال پیش بعنوان نخودی با حرفهای تازه و مقبول مردم به میدان آمده بود و نتوانست از این نیروی عظیم در جهت تحقق خواستهای مردم استفاده کند، چگونه میخواهد با نامزد کردن مجدد خود آن هم در شرایطی که با زبان خودش به فقدان قدرت و بی‌عرضگی خویش اعتراف کرده است ادامه در صفحه ۲

سخنرانی زیر که بنظر خوانندگان گرامی توفان میرسد در تاریخ ۱۹ ماه مه ۲۰۰۱ از طرف "حزب کار ایران" (توفان) به سمینار مشترک شهر ماینس ارائه گردید که به مناسبت انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری ایران با موضوع زیر "اوضاع سیاسی-اجتماعی و "انتخابات" ریاست جمهوری" و با شرکت سازمانهای سیاسی اپوزیسیون برگزار گردید. خاتمی آخرین تک خال رژیم جمهوری اسلامی است تا بتواند خود را چند صباح دیگری بر سر پا نگهدارد. این را سایر جناحهای حاکمیت نیز درک کرده‌اند. آنها

انتخاب خاتمی و ارزیابی ما

رقبای دست چندم بودند غلبه کند، این ارزیابی ما درستی خود را نشان داد. ما بر آن بودیم که گرایش عمومی مردم به سمتی است که از این اصلاح طلبان روی برگرداند و نسبت به آنها بدبین شوند. تجربه و آمار منتشره نشان داد که ما در این ارزیابی خود به خطا نرفته‌ایم. ادامه در صفحه ۳

برای پرتو افکنی بر نظریات و تحلیلهای حزب کار از شش جدول کمک میگیریم. سه جدول نخست مربوط به مقایسه میان انتخابات دوره‌های گذشته در جمهوری اسلامی است و جداول شماره ۴ تا ۶ قیاس آنها با انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری است. ما در ارزیابی خود در قبال از انتخابات بر آن بودیم که: خاتمی این بار نیز موفق می‌گردد بر رقبای خود که

امروز که این تحلیل را ارائه میدهم مطابق آخرین اخبار و آماری است که حزب ما تا زمان نگارش این مقاله به دست آورده است. رژیم جمهوری اسلامی بر اساس مصالح سیاسی خویش آمارهای مختلفی قبل و بعد از انتخابات منتشر کرده است که نادقیقی آن کاملاً مشهود است. ما ناچاریم با رعایت قید احتیاط با تقریب معینی از همین آمار استفاده کنیم.

تاکتیک در مبارزه امری تشریفاتی نیست

و گوش مردم را باز می‌کند و می‌فهمند که تاریخ مصرف آقای خاتمی پایان رسیده است. این را باید گفت و تبلیغ کرد تا در شرایطی که سیر حوادث صحت نظریات ما را در چهار سال آینده روشن میسازد مردمی که قبلاً با این برخورد آشنا شده بودند به شما اعتماد کرده، برای نظریات شما احترام قائل شده، با دقت بیشتری به آن گوش فرا دهند و اعتمادشان به نظریات درست شما بیشتر جلب شود. آنها باید در نزد خود جای معینی برای پذیرش نظریات شما باز کنند. مبارزه روزمره اجتماعی مملو از این تاکتیکهاست. بدون تاکتیک همه‌اش تیک تاک و در جا زدن است. شما اگر هوادار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستید و مردم نیستند و به این مرحله از رشد فکر نرسیده‌اند و شما می‌دانید که مردم هنوز به آن درجه از آگاهی پشروانشان نرسیده‌اند وظیفه شماست که بعنوان عنصر آگاه راه‌هایی بیابید که از طریق آن بتوانید ماهیت این رژیم و لزوم سرنگونی آنرا برای مردم روشن کرده و آنرا به آنها تفهیم نمایید. فقط با طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تکرار مرتب آن بدون توجه به مبارزه روزمره و اتخاذ راه و روشهای درست، این قهرمانان باکره ما در دریای کلیات تا ابدالدهر شنا ادامه در صفحه ۸

در جریان مجادلات سیاسی و بحثهای رفیقانه‌ای که بر سر تحریم انتخابات ریاست جمهوری در گرفت، نظریاتی ابراز شد که صرفاً نظریات نادرستی نبود، نظریات نادرست را میتوان در عمل محک زد، درجه و عمق شناخت را افزایش داد و به رفع نادرستی‌ها و کمبودها و خطاها پرداخت. در کنار این نظریات بیاناتی نیز شد که ناشی از یک اشتباه اساسی تئوریک است و نباید در میان مارکسیست‌لنیستها جا باز کند. بر سر تحریم و یا شرکت در انتخاب خاتمی میتوان نظریات گوناگون داشت. برخی به نادرستی، لزوم شرکت در انتخاب خاتمی را تشویق می‌کنند و برخی بدرستی انتخاب وی را رد کرده تاکتیک درست را در تحریم این انتخابات می‌دانند. هدف از اتخاذ این تاکتیکها این است که در عرصه مبارزه، مردم را قدم به قدم به سمت و سویی راهنما گردیم که در انتهای راهش در این مرحله به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت همان مردم منجر شود. مردم که همواره طرف خطاب ما هستند باید آموزش بگیرند که تاکتیک تحریم دست تمامیت رژیم جمهوری اسلامی را در حنا گذارده و مواضع داخلی و خارجی‌اش را تضعیف کرده، تضاد میان حاکمیت را تشدید نموده و به تخیلات و توهمات فراوانی پایان می‌دهد. تاکتیک تحریم چشم

گزارشات مربوط به فعالیت‌های حزب در رابطه با نمایش انتخابات ۱۸ خرداد در صفحات داخل نشریه

کودنای نیال پاسخی به جنگ خلق

خبرگزاریهای جهان اعلام کردند که در جمعه شب مطابق ۸ ژوئن ولیمهد کشور نیال با کشتیدن اسلحه بر روی خانواده‌اش آنها را به قتل رسانده، سپس خود را هدف گلوله قرار داده و بشدت مجروح گشته و اکنون در حال اغماء در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ارتش بستری شده است. نخستین اطلاعیه دولت حاکی از آن بود که این کشتار از عشق به دختری ناشی میشده است که مورد توجه مادر و پدر داماد نبوده و آنها با ازدواج پسرشان با این "فتنه" مخالفت کرده‌اند و این آقا زاده که نمیتوانسته دعوی عروس و مادر شوهر را تحمل کند از غیض ناکامی در کامروائی از این زیبای فتنه‌انگیز لگام اختیار از کف بداده و والدین خود را با قصد انتقام هدف گلوله قرار داده است. سناریو ظاهراً طوری تدوین شده بود که آقای ادامه در صفحه ۶

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

تاکتیک‌های ما...

و بر اصل ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن صحنه گذارده است، بدون آن پشتوانه قدرتمند مردم به ادعاهایش جامعه عمل ببوشد؟ این دو گرفتند جدید ضامن اجرایی ندارد.

در این نامزدی تناقض آشکاری به چشم میخورد و از همان روز نخست آشکار است که به جانی نمی‌رسد. خود شخص خاتمی اصلاح طلبان پیگیرتر را در لفافه کلام "برانداز" مینامد و خط خود را از آنها جدا می‌گرداند و در نزاعی که در گرفته به سوی خامنه‌ای لغزیده است، حال آن که بخشی از این اصلاح طلبان خواهان لغو نظارت استصوابی، آزادی همه زندانیان سیاسی و مطبوعاتی، نظارت بین المللی و حتی انحلال مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند.

این همان تجزیه در بالا و فشار از پائین است. این همان بن‌بستی است که رژیم جمهوری اسلامی و اصلاح طلبان با آن روبرو هستند. یا باید پایان روند اصلاحات به برچیدن رژیم منجر شود و یا فرجام آن به سازش با رژیم خواهد رسید. برچیدن رژیم ولی به معنای تکیه بر مردم و تربیت و سازماندهی آنها در جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی است و این کار از جانب جناح اصلاح طلب حاکمیت مقدور نیست. حتی محافظه کاران نیز در تاکتیک خود به این نتیجه رسیده‌اند که خاتمی پر و بال شکسته را در مسند ریاست جمهوری ببینند. آنها بدیل دیگری جز خاتمی ندارند. آنها یقین دارند که نسبت آراء خاتمی این بار از دفعه گذشته به مراتب کمتر است ولی بهر صورت انتخاب میشود. ولی این خاتمی آن خاتمی نیست که با فشار مردم به جلو پرتاب شده بود، این خاتمی با سازش با خامنه‌ای بر صندلی ریاست می‌نشیند و معترف است که کاری از دستش ساخته نیست. و بهمین دلیل نیز هست که حجاریان معتقد است "هیات حل اختلافی - که میتواند مجلس باشد- تشکیل شود و از همین نقطه، سیاستمداران با نفوذ هر دو طرف "کمی پائین بیایند" تا منازعات کاهش یابد. رفسنجانی هم بر این نظر بود که باید "قتیله‌ها را پائین کشید".

تاکتیک اصلاح طلبان این است که برای حفظ نظام خاتمی بر سر کار آید و مشروعیت خود را از رای بالای مردم بگیرد. آنها بهمین جهت برای جلب مردم به شرکت در انتخابات مسئله رفراندوم را طرح کرده‌اند و مدعی‌اند که شرکت مردم در انتخابات این دوره رفراندوم در باره اصلاحات است. آنها میخواهند مردم را با این ترفندها به میدان آورند که آنها از طن خودشان یار اصلاح طلبان گردند. پرسش این است که اگر مردم در انتخابات بطور میلیونی شرکت کرده و تعداد ۳۵ میلیون به خاتمی رای دادند وضع به چه صورت در خواهد آمد؟ خامنه‌ای خلع ید میشود؟ مجمع تشخیص

مصلحت رژیم منحل میشود و یا اینکه جلسه فوق العاده می‌گذارد تا حکومت نظامی رسمی اعلام کند؟ آنوقت موضع اصلاح طلبان چیست و به کدام سمت میروند؟

تاکتیک اصلاح طلبان برهبری خاتمی و حجاریان بر این است که مردم را به شرکت وسیعتر در انتخابات دعوت کنند.

آقای عبدی یکی از رهبران اصلاح طلب برای بازار گرمی انتخابات می‌گوید: "انتخابات ۸۰" انتخاب یک فرد نیست. بلکه رفراندومی است برای انتخاب یک برنامه و ایده سیاسی-فرهنگی در عرصه مدیریت کشور. اصلاح طلبان در یک کارزار مطبوعاتی بیان میکنند که نتایج رای گیری انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری فراتر از یک رقابت سیاسی، یک همه پرسی ملی و نمادی از جنبشی اجتماعی است. جنبشی که پس از چهار سال پرداختن هزینه‌های ریز و درشت، میاید تا تصمیم نهایی خویش را اعلام کند. کدام تصمیم نهائی؟ این پرسشی است که اصلاح طلبان از زیرش در میروند و آنرا برای فریب مردم باز میکنند. سعید حجاریان تنورسین جناح اصلاح طلبان که میخواهد اصلاحات در اصلاحات کند در این اواخر مدعی شده است که باید "حاکمیت را از شکل دوگانه غیر کارکردی به دوگانه کارکردی تغییر دهیم". بروشنی مفهوم است که هدف حفظ نظام کنونی و نه تغییر آن است. آفاجری که تا کنون مواضع رادیکالتری نسبت به سایر اصلاح طلبان داشت برای داغ کردن تنور انتخابات و تشویق مردم به شرکت در انتخابات مدعی است: "پیروزی آقای خاتمی از بوته انتخابات این دوره تاکید مجدد بر جمهوری اسلامی است چرا که مردم جمهوریت و جمهور را پذیرفته‌اند".

البته تاکتیک محافظه کاران نیز ماهیتاً نظیر تاکتیک اصلاح طلبان است با این تفاوت که آنها شرکت وسیع مردم در انتخابات را با تضعیف خاتمی پذیرا هستند. هم حفظ نظام و هم حفظ قدرت محافظه کاران و کوتاه شدن زبان اصلاح طلبان.

در این تبلیغات محافظه کاران نیز همصدای اصلاح طلبان هستند و نگرانند که مبادا مردم در انتخابات شرکت نکنند. احمد جنتی یکی از چهره‌های پرنفوذ محافظه کاران که تا دیروز به خاتمی فحاشی میکرد و مردم را از رای دادن به وی منع می‌نمود با توجه به گرایش بی‌علاقگی مردم نسبت به انتخابات این دوره می‌گوید: "اگر در انتخابات شرکت نکنید، باعث سرشکستگی همه است" و سپس ادامه میدهد: "هر مسلمانی، هر انسانی، حتی ملی باید در انتخابات شرکت کند". محافظه کاران که در انتخابات دوره ششم مجلس مخالف شرکت مردم در انتخابات بوده و رای آنها را بی‌فایده ارزیابی می‌کردند بیکباره هوادار

شرکت وسیع مردم در انتخابات شده‌اند. دلیل این تاکتیک حاکمیت را باید در این جست که مردم از خاتمی و جناح هوادار وی روی برمی‌تابند و در فکر راه حل‌های اساسی دیگری هستند. جامعه ایران راه توسل به قهر انقلابی را مجدداً آزمایش خواهد کرد و این، راه سرنگونی رژیم ننگین جمهوری اسلامی است. اگر در دوره گذشته هجوم مردم برای انتخاب خاتمی که مورد طعن و لعن محافظه کاران و سردمداران رژیم ولایت فقیه بود و با نقش نخودی که به وی واگذار کرده بودند به معنی تودهنی باین رژیم محسوب میشد و از نظر تبلیغاتی پیروزی در عرصه جنگ روانی بود، در این دوره عدم شرکت مردم در انتخاب خاتمی تودهنی به رژیم و پیروزی در جنگ روانی و تشدید اختلافات درون حاکمیت است. عدم شرکت مردم و تقلیل رای خاتمی حاکی از آن خواهد بود که فضای کشور به سوی یک تعیین تکلیف نهائی سیر میکند که جنازه جمهوری اسلامی را بر تابوت بیست و دو ساله حکومتش به قبرستان بهشت زهرا می‌برد. تاکتیک ما در این نزاع تکیه به مردم، الهام گرفتن از نیروی آنها و بویژه طبقه کارگر ایران است. باید به ایجاد فضای مناسب فعالیت در ایران دست زد و این تنها از راه تعمیق شعارها و خواستهای دموکراتیک مقدور است که دست اصلاح طلبان را در عدم اجرای آنها رو خواهد کرد. محافظه کاران که اساساً مخالف هر تغییری هستند. پیکار در این عرصه و افشاء دموکراسی دم بریده بورژوازی در قدرت برای هدایت مبارزه مردم به سمت درست اهمیت دارد. فضای ایران در حال تحول است، تظاهرات ده هزار نفره کارگران در روز اول ماه مه در تهران و سایر شهرهای ایران، فاصله گرفتن آنها از سندیکاها رژیم ساخته، اشتیاق مردم به فضای باز سیاسی برگشت ناپذیر است. بر کمونیست‌هاست که با نشان دادن چهره سرمایه‌داری رژیم جمهوری اسلامی به مردم بگویند که بدیل رهائی ایران جمهوری شورائی فدراتیو سوسیالیستی در ایران است. باید جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را نیز از هم اکنون تبلیغ کرد.

حزب کار ایران با توجه به تحلیلی که از شرایط کنونی دارد تحریم انتخابات را تاکتیک درستی ارزیابی می‌کند و شرکت در آن را فریب مردم و تلاشی برای بقاء چهار سال آتی این نظام میداند تا فرصتی کسب کند و خویشتن را از بحران کنونی برهاند. رژیم جمهوری اسلامی در پی کسب زمان است. این زمان را باید از وی گرفت. منظره‌ای که در آن مردم در انتخابات شرکت نکنند و نشانه مرگ بر چهره رژیم بنشیند بسیار دل‌انگیز است و به مردم نیرو می‌دهد. روان اجتماعی در ایران در این جهت گرایش دارد و جنبش رو به اعتلاء میرود. حزب کار ایران (توفان) ۲۰۰۱/۵/۱۹.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

انتخاب خاتمی...

ما بر این بودیم که رای خاتمی نسبت به دفعه قبل کمتر است، این ارزیابی ما نیز با توجه به ۱۷٪ رشد عددی واجدین شرایط انتخاباتی از ۲۷۱/۳۷ هزار نفر به ۴۲/۶۰۰ هزار نفر (به جدول شماره ۵ مراجعه کنید) درست از کار در آمد.

ما بر آن بودیم که همه جناحهای رژیم بر آنند که مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کنند، سراسر تبلیغات مشترک دو جناح و میدان آمدن شخص خامنه‌ای و ائمه جمعه و رهبران جناح محافظه کار برای کشیدن بیشتر مردم به شرکت در انتخابات شاهی بر این مدعا بودند.

ما بر آن بودیم که رژیم قصد دارد پر و بال خاتمی را بشکند، بطوریکه وی انتخاب شود ولی موفقیت قبلی خود را بدست نیاورد. این ارزیابی رژیم با برخاستن موج تحریم اپوزیسیون و بازتاب گسترده آن در بین مردم تغییر کرد، بطوریکه ناچار شدند خاتمی در قدرت با هر چقدر رای را، به علاقه خود مبنی بر آوردن تعداد آرائی زیر بیست میلیون در انتخابات برای خاتمی ترجیح دهد. حال به انبیا ادعاهای خود بپردازیم.

این بار رژیم جمهوری اسلامی حد نصاب سن رای دهندگان را ۱۵ سال اعلام کرد. باین ترتیب ۷ میلیون نفر به تعداد واجدین شرایط نسبت به انتخابات مجلس شورای اسلامی افزوده شدند.

در انتخابات گذشته برای آنکه اصلاح طلبان رای کمتری بیاورند حد نصاب سن را ۱۶ سال اعلام کرده بودند که بشدت مورد اعتراض اصلاح طلبان قرار داشت. آنها استدلال می کردند که چگونه ممکن است دختری حق انتخاب شوهر را در ۹ سالگی کسب کرده و بالغ تلقی شود ولی استحقاق انتخاب نماینده مجلس برای خود را در سن پانزده سالگی نداشته باشد. با این اقدام

حاکمیت تعداد واجدین اخذ رای را

به ۴۲/۶ میلیون نفر رسانید و حد نصاب سن را مجدداً به ۱۵ سال تقلیل داد. معلوم شد تعیین حد نصاب سن بازیچه سیاسی در دست مثنی زورگو و قلدرمنش است که با شل و سفت کردن آن اغراض خویش را به کرسی مینشانند. آنجا که میل داشتند مردم در انتخابات شرکت نکنند و تعداد شرکت کنندگان کم باشد، یعنی در انتخابات مجلس شورای اسلامی حد نصاب سن را ۱۶ سال اعلام کردند و حال که هوادار شرکت وسیع مردم در انتخابات شده‌اند و از نتایج تحریم میترسند به حد نصاب ۱۵ سال رضایت داده‌اند. بر اساس آمار متناقض منتشره حدود ۲۸ میلیون نفر در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اند. یک

تفریق ساده نشان می دهد که ۱۴/۶۰۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکرده‌اند و آنرا تحریم نموده‌اند.

جدول شماره ۶ نشان می دهد که نسبت افراد شرکت کننده در دوره هشتم با رقم ۲۷/۶۰۰ میلیون نفر به دوره هفتم با رقم ۲۹/۰۷۶ میلیون نفر از کاهشی حدود ۵٪ برخوردار است. همین جدول نشان می دهد که نسبت افراد شرکت کننده در انتخابات به افراد واجد شرایط از ۸۰/۱۶٪ به ۶۴/۷٪ تنزل کرده است.

از نظر سیاسی این امر باین مفهوم است که گرایش مردم به ست طرد کامل رژیم نکبت بار جمهوری اسلامی در تمامیت خود و روی آوردن آنها به اشکال دیگری از مبارزه است. مردم تجربه کرده‌اند که رژیم جمهوری اسلامی به اصلاحات دم بریده نیز تن در نمیدهد.

جدول شماره شش نشان می دهد که قدر مطلق آراء آقای خاتمی افزایش یافته و از ۲۰/۰۷۸ میلیون به ۲۱/۶۰۰ میلیون یعنی افزایش مطلق حدود ۱/۵۲۲ میلیون رای رسیده است که این افزایش مطلق

جدول شماره ۱

ردیف	سال	موضوع انتخابات	حد اقل سن رأی	کل جمعیت (هزار نفر) (برآورد)	افراد واجد شرایط دادن (هزار نفر) (برآورد)	نسبت افراد واجد شرایط به کل جمعیت (درصد)
۱	۱۳۵۸	قانون اساسی	۱۶	۳۷۸۱۴	۲۰۸۹۶	۵۵
۲	۱۳۵۸	ریاست جمهوری اول	۱۶	۳۷۸۱۴	۲۰۸۹۶	۵۵
۳	۱۳۶۰	ریاست جمهوری دوم	۱۵	۴۰۸۲۵	۲۲۵۵۷	۵۵
۴	۱۳۶۰	ریاست جمهوری سوم	۱۵	۴۰۸۲۵	۲۲۵۵۷	۵۵
۵	۱۳۶۴	ریاست جمهوری چهارم	۱۵	۴۷۵۸۶	۲۶۴۲۸	۵۵
۶	۱۳۶۸	ریاست جمهوری پنجم	۱۵	۵۳۱۸۶	۲۹۳۸۱	۵۵
۷	۱۳۷۲	ریاست جمهوری ششم	۱۵	۵۶۴۵۰	۳۳۰۶۹	۵۵
۸	۱۳۷۶	ریاست جمهوری هفتم	۱۵	۵۹۹۷۲	۳۶۲۷۱	۶۰

جدول شماره ۲

ردیف	سال	موضوع انتخابات	تعداد افراد واجد شرایط (هزار نفر)	تعداد افراد شرکت کننده (هزار نفر)	نسبت افراد شرکت کننده به افراد واجد شرایط (درصد)
۱	۱۳۵۸	قانون اساسی	۲۰۸۹۶	۱۵۷۵۸	۷۵/۴۱
۲	۱۳۵۸	ریاست جمهوری اول	۲۰۸۹۶	۱۴۱۴۶	۶۷/۶۹
۳	۱۳۶۰	ریاست جمهوری دوم	۲۲۵۵۷	۱۴۷۲۲	۶۵/۲۶
۴	۱۳۶۰	ریاست جمهوری سوم	۲۲۵۵۷	۱۶۸۴۷	۷۴/۶۸
۵	۱۳۶۴	ریاست جمهوری چهارم	۲۶۴۲۸	۱۴۲۴۴	۵۳/۸۹
۶	۱۳۶۸	ریاست جمهوری پنجم	۲۹۳۸۱	۱۶۴۳۹	۵۵/۹۵
۷	۱۳۷۲	ریاست جمهوری ششم	۳۳۰۶۹	۱۶۷۸۹	۵۰/۷۶
۸	۱۳۷۶	ریاست جمهوری هفتم	۳۶۲۷۱	۲۹۰۷۶	۸۰/۱۶

مشارکت مردم که تا به امروز رو بکاهش بود (به جدول شماره ۳ مراجعه کنید-توفان) بیکباره از ۱۳/۷٪ به ۲۷/۳٪ افزایش یافته است.

در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۲ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکردند ولی این رقم در حال حاضر به ۱۵ میلیون نفر ادامه در صفحه ۴

آراء با توجه به افزایش جمعیت و ۷ میلیون واجدین جدید شرایط انتخاباتی (۱۷٪) از تقلیل نسبی آرای آقای خاتمی حکایت می کند. مقایسه دو رقم ۵۵/۳۵٪ و ۵۰/۳۵٪ در جدول شماره ۶ که نسبت این آراء از دوره هفتم را به ۵۰/۷٪ نشان می دهد نزولی حدود ۴/۶۵٪ را در بر می گیرد. در همین جدول متوجه می شویم که شاخص عدم

مزدوران رژیم، چه درون آخوران و چه برون آخوران را از خود برانید!

انتخاب خاتمی...

رسیده است.

جدول شماره ۳

ردیف	سال	موضوع انتخابات	آراء نفر اول (هزار نفر)	نام نفر اول	نسبت آراء نفر اول به نفر اول به	نسبت آراء افراد واجد شرایط مشارکت	شاخص عدم
۱	۱۳۵۸	رفراندوم قانون اساسی	۱۵۰۶۸۰	-	۹۹/۵	۷۵/۰۳	۲۴/۴۷
۲	۱۳۵۸	ریاست جمهوری اول	۱۰۰۷۰۹	آقای بنی صدر	۷۵/۷	۵۱/۲۵	۲۴/۴۵
۳	۱۳۶۰	ریاست جمهوری دوم	۱۲۰۹۰۰	آقای رجایی	۸۷/۶۲	۵۷/۱۹	۳۰/۴۳
۴	۱۳۶۰	ریاست جمهوری سوم	۱۶۰۰۰۸	آقای خامنه‌ای	۹۵/۱۹	۷۰/۹۶	۲۴/۲۳
۵	۱۳۶۴	ریاست جمهوری چهارم	۱۲۰۲۰۳	آقای خامنه‌ای	۸۵/۶۷	۴۶/۱۷	۳۹/۵
۶	۱۳۶۸	ریاست جمهوری پنجم	۱۵۰۵۳۷	آقای هاشمی	۹۴/۵۱	۵۲/۸۸	۲۱/۶۳
۷	۱۳۷۲	ریاست جمهوری ششم	۱۰۰۵۵۵	آقای هاشمی	۶۲/۸۶	۳۱/۹۲	۳۰/۹۴
۸	۱۳۷۶	ریاست جمهوری هفتم	۲۰۰۰۷۸	آقای خاتمی	۶۹/۰۵	۵۵/۳۵	۱۳/۷

جدول شماره ۴

سال	موضوع	حداقل سن	کل جمعیت کشور به هزار نفر	افراد واجد شرایط دادن رای به هزار نفر	نسبت افراد واجد شرایط به کل جمعیت به درصد
۱۳۷۶	ریاست جمهوری دوره هفتم	۱۵	۵۹/۹۷۲	۳۶/۲۷۱	۶۰
۱۳۸۰	ریاست جمهوری دوره هشتم	۱۵	۶۲/۰۰۰	۲۲/۶۰۰	۶۸

خاتمی ۷۸٪ آراء را بخود اختصاص داده (جدول شماره ۶) و مجموع آراء نه نفر دیگر نامزدها همراه با آراء باطله ۶ میلیون رای بوده که نسبت به افراد واجد شرایط تنها ۱۴٪ و نسبت به شرکت کنندگان در انتخابات ۲۱/۷۴٪ می‌باشد. خاتمی حدود ۲۸٪ رای بیشتر از مجموعه آراء سایر نامزدها و آراء باطله آورده است. تفاوت آراء خاتمی از علی فلاحیان با رای ۵۵ هزار نفر، آرائی حدود ۲۱/۵۴۰۰ میلیون نفر می‌باشد. آراء فلاحیان آرائی است که رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند بر آنها متکی باشد، آراء واقعی هواداران جمهوری اسلامی است. حتی آخوندها و بخش عظیمی از اقلیت مذهبی حاضر نشده‌اند به فلاحیان رای دهند. فلاحیان بلندگوی خامنه‌ای -رفسنجانی - مصباح یزدی و دارودسته مافیای رژیم است. این آراء چنانچه در آن تقلب نشده باشد عمق نفرت مردم را به این دستگاه نشان می‌دهد. فلاحیان ۰/۲٪ آراء را به خود اختصاص داده است. این جانی که مردم با این صراحت و روشنی صلاحیتش را رد کرده‌اند مورد تأیید شورای نگهبان رژیم و شخص ولی فقیه است. حزب ما صراحتاً اعلام می‌کند که با طرد فلاحیان از جانب خامنه‌ای پس از شکست مفتضحانه وی مخالف است. ما بر آنیم که وی باید بعنوان مظهر بی نقاب جمهوری اسلامی در یک غدیر خم دیگر بجای خامنه‌ای بنشیند و ولی فقیه آینده جمهوری اسلامی گردد. در و تخته آنوقت خوب بهم خواهند خورد.

توکلی که در بین مردم به جاسوس انگلیس معروف است حدود ۴ میلیون و سیصد هزار رای آورده است. آراء وی بیان حداکثر نیروئی است که رژیم توانسته با عایدی نفت و غارت ثروت‌های ملی و باج دهی و مفتخوردن برای خویش تأمین کند. این پایگاه ولی با اوج مبارزه مردم مانند مقوا در هم میریزد و برای رژیم قابل اعتماد نیست.

انتخابات در خارج

رژیم جمهوری اسلامی در قیل از انتخابات جنجال راه انداخته بودند که ۵ میلیون ایرانی واجد شرایط انتخابات در خارج از ایران وجود دارند که باید در انتخابات شرکت کنند. سفارتخانه‌ها صندوقهای آراء چیده بودند تا ایرانیان خارج از کشور را به شرکت در انتخابات ترغیب کنند. اپوزیسیون ایران در خارج از کشور بجز خیانتکاران توده‌ای - اکثریتی، جاسوسان وزارت اطلاعات، همدستان کنفرانس برلن، پادوهای رژیم که وظایف فرهنگی برگذاری جشنواره فیلمهای جمهوری اسلامی، موسیقی، تاتر به نفع جمهوری اسلامی را بعهده دارند، خانواده‌های سفارتخانه‌چی‌ها، تجار محترمی که از ترس جیبشان به آمال مردمشان خیانت می‌کنند، نان به نرخ روز خورها، دانشجویان بورسی رژیم این انتخابات را تحریم کردند و مطابق آمار تقلبی رژیم علیرغم زور زدن خارج از حد خائنین اکثریتی بمتابه بلندگویان رژیم خمینی در خارج از کشور، ۷۳ هزار نفر از ۵ میلیون نفر یعنی ۱/۵٪ از آنها در انتخابات شرکت کرده‌اند (تازه اگر این آمار درست باشد، رندی میگفت اکثریت که اینقدر عضو ندارد - توفان) که بخشی از این آراء به نفع فلاحیان و توکلی به صندوق ریخته شده است. حال که کار افتضاح بالاگرفته است در تبلیغات رسمی رژیم از این پیروزی "مشعشعانه" در خارج از کشور سخنی هم نمی‌رود. آنها این وظیفه کیف را بعهده طیف توده‌ایها - اکثریتها گذارده‌اند تا از

شکست جمهوری متفور اسلامی در خارج از کشور یک پیروزی کامل سیاسی بسازند. در این عرصه بی‌وزنه دولت آلمان با این عده وامانده سیاسی و کارچاق کن رژیم توسط بنیادهای امپریالیستی و یا مسئولین امور فرهنگی شهرها و یا موسسه زبان گوته همکاری کرده و آنها را مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار می‌دهد. باید منتظر بود و دید که با روی کار آمدن خاتمی چگونه این "موسسات عام المنفعه" آدمهای سفارشی را که دلشان برای مارکهای آلمانی لک زده از ایران روانه خارج خواهند کرد. **تاکستیکهای رژیم پس از تحریم انتخابات**

قبل از تحریم انتخابات رژیم موفق شده بود ترکیب دلخواه خود را از صافی شورای نگهبان بگذراند و آنرا طوری ترتیب دهد که خاتمی در

مقابل نه نامزد بد نام و متفور دیگر انتخاباتی قرار گیرد. رژیم حتی یک آدم استخواندار نیز در مقابل خاتمی علم نکرد تا انتخاب قطعی وی را به خطر نیاندازد، برعکس به بدنامترین آنها توسل جست (از آقایان مصباح یزدی، رفسنجانی و خامنه‌ای و دارودسته‌های موتلفه و نظایر آنها پوزش می‌طلبیم که نامشان را از قلم می‌اندازیم - توفان) تا درجه هراس مردم را از انتخاب نشدن احتمالی خاتمی افزایش دهد. این در حالی بود که امکان شرکت نیروهای مخالف مترقی و انقلابی را با رضایت آقای خاتمی که عضو موثر شورای مصلحت رژیم است سلب کرده بودند.

از همان نخستین روز خاتمی بعنوان "آش خاله" که "بخوری پاته نخوری پاته" به میدان آمده بود. ادامه در صفحه ۵

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جدول شماره ۵

سال	موضوع	تعداد افراد واجد شرایط بطور مطلق به هزار نفر	تعداد افراد شرکت کننده در انتخابات بطور مطلق به هزار نفر	نسبت افراد شرکت کننده در انتخابات به افراد واجد شرایط به درصد
۱۳۷۶	ریاست جمهوری دوره هفتم	۳۶/۲۷۱	۲۹/۰۷۶	۸۰/۱۶
۱۳۸۰	ریاست جمهوری دوره هشتم	۲۲/۶۰۰	۲۷/۶۰۰	۶۴/۷

جدول شماره ۶

سال	آراء نفر اول بطور مطلق به هزار نفر	نسبت آراء نفر اول به افراد شرکت کننده به درصد	نسبت آراء نفر اول به افراد واجد شرایط به درصد	شاخص عدم مشارکت مردم به درصد
۱۳۷۶	ریاست جمهوری دوره هفتم	۲۰/۰۷۸	۵۵/۳۵	۱۳/۷۶
۱۳۸۰	ریاست جمهوری دوره هشتم	۲۱/۶۰۰	۵۰/۷	۲۷/۳

انتخاب خاتمی...

ما وارد این بحث روشن نمی‌شویم که این انتخابات بیشتر انتصابات است و متکی بر آزادی اراده انتخاب کنندگان نیست و از اخذ تصمیم آزاد آنها سخنی هم نمی‌تواند در میان باشد. گزارشاتی که به گوش ما رسیده بود نشان می‌داد تا چند روزی به انتخابات مانده تعداد افرادی که قصد داشتند به خاتمی رای دهند چندان چشمگیر نبود. تبلیغات مردم نیز بصورت گذشته برای انتخاب خاتمی گسترده نبود. عوامل متعددی در شرکت مردم در انتخابات و انتخاب خاتمی موثر افتاد. این عوامل سخنرانی‌ها و بی‌شرمی و وقاحت علی فلاحیان در مصاحبه‌های مطبوعاتی بود که حتی از آدمکشی پسرش نیز دفاع می‌کرد و مورد تأیید شورای نگهبان بود. مردم به عیان دیدند که نامزدهای مقابل خاتمی به صراحت می‌گفتند که اگر بر سر کار آیند جلوی مطبوعات را می‌گیرند و اختناق کامل را برقرار می‌کنند. کارنامه جاسبی این رئیس دانشگاه آزاد اسلامی سیاه بود. وی پسران و دختران دانشجو را به جرم مصاحبت با یکدیگر از دانشگاه اخراج و قوانین غلاظ و شداد در محیط علمی و آموزشی وضع می‌کرد. معلوم نیست این متحجرین فکری و دایناسورهای تاریخ از کدام طریقه‌های فیضیه و مدارس حقانی فارغ التحصیل شده‌اند. چنین جانوری حال قصد داشت رئیس جمهور یک کشوری شود که نخستین انقلاب دموکراتیک آسیا را انجام داده بود.

یکی از نامزدها مدعی شد که آزادی زنان در ایران زیاد شده است و باید جلوی او را گرفت، دیگری از خطر فساد جوانان سخن می‌راند. آنها وعده کردند اگر انتخاب شوند پیچ اختناق و تاجر را بیشتر بیچانند. آنگاه سناریوی بعدی را در مطبوعات تبلیغ کردند و درجه توحش خود را به نمایش گذاردند. دارودسته رجاله‌های فلاحیان، شریعتمداری، مصباح یزدی معرکه گرفتند و در شهر به رجز خوانی پرداختند. آنها با اعداها و سنگسارهای وحشیانه و قرون وسطانی کاری را که چندی بود آغاز کرده بودند ادامه دادند و جامعه را از این عمامه بصران جنایتکار بیزار و در عین حال هراسناک کردند.

قلع و قمع نهضت آزادی و نیروهای معروف به ملی-مذهبی که در استقرار این رژیم ترور و وحشت یار آنها بودند و دست آخوندها را برای آموزشهای دولتی و اداری و دیپلماتیک و... گرفتند، اعتراضنامه‌های ساختگی و مصاحبه‌های تلویزیونی مشتمل کننده، بگیر و ببندها و شکنجه‌های خودسرانه، حذف حداقل امنیت قضائی تأثیرات بسیار منفی نسبت به جمهوری اسلامی در ذهن مردم گذارد و در شرایط فقدان یک بدیل انقلابی و مترقی آنها را به دامن خاتمی سوق داد. این بار با این استدلال که سگ زرد بهتر از شغال است، آنها با اکراه ولی از ترس به خاتمی رای دادند.

در تبلیغات اصلاح طلبان گفته میشد که چون طبرزدی و سایر سازمانهای سیاسی تحریم کرده‌اند ممکن است خاتمی رای نیاورد و دست راستی‌ها انتخابات را ببرند و فلاحیان بر سر کار آید، این است که انتخاب خاتمی واجب است.

مردم از ترسشان که مبدا دست راستی‌ها ببرند در روزهای آخر به خاتمی روی آوردند و حتی می‌گفتند که باید بین بد و بدتر یکی را انتخاب کرد اگر آن آدم‌خوران سر کار بیایند چه خاکی بر سرمان بریزیم. این جنگ روانی حاکمیت با موفقیت همراه بود و بخش مهمی از مردم را که دچار تردید بودند و میان نظر تحریم کنندگان و موافقین خاتمی

بدتر، بدتر را از میان جنایتکاران انتخاب کرده‌اند، معلوم شد رژیم فقط چهارسال دیگر شانس ادامه حیات خود را آزمایش میکند، معلوم شد که ۴ میلیون نفر سرسپردگان رهبری، اگر فرض را بر این بگیریم که آراءشان را افزایش نداده‌اند، دچار وحشت مرگ خواهند شد و ناچارند به سیم آخر بزنند، بنظر ما سالیهای قطعی تعیین سرنوشت آغاز شده است و خاتمی نمیتواند هم به نعل و هم به میخ بزند. و سرانجام معلوم شد طیف توده‌ای-اکثریتی همدستان رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشورند و همان وظایف ناپاک لو دادن افراد را در زمان خمینی مجدداً به عهده خواهند گرفت.

البته نکته‌ای را که نباید در ترکیب آراء کنونی از نظر دور داشت این است که رای خاتمی نسبت به نه نفر دیگر که نامزدهای سرسپرده خامنه‌ای هستند شکننده است. رای به خاتمی در هر صورت رای به مخالفت با دارودسته خامنه‌ای-رفسنجانی-فلاحیان محسوب میشود، گرچه جمهوری اسلامی از آن سوء استفاده کرده و از نظر تبلیغاتی آنرا تأیید مجدد جمهوری اسلامی جا خواهد زد ولی آخوندها در میان خودشان و در جلسه شورای تشخیص مصلحت رژیم بخوبی از ترکیب و ماهیت این آراء با خبرند. آنها میدانند که ۱۵ میلیون مخالف واجد شرایط دارند و میلیونها نفر از کسانی که به خاتمی رای دادند همان مخالفین رژیم هستند که ادامه در صفحه ۶

نوسان می‌کردند، در روزهای آخر از وحشت پیروزی فلاحیان و دارو دسته خامنه‌ای به انتخاب خاتمی واداشت. عامل ترس و وحشت یکی از عوامل موثر مبارزه انتخاباتی رژیم بدل شده است. آنها این کارت را به موقع بازی می‌کنند.

از این گذشته جمهوری اسلامی که بشدت از تحریم انتخابات توسط نیروهای اپوزیسیون هراسیده بود و از تأثیرات آن در میان مردم و گرایش عمومی آنها خبر داشت با تمام قوت کوشید مردم را به شرکت در انتخابات با تمام وسایل ممکن که در اختیار داشت اعم از نماز جمعه تا رسانه‌های گروهی تشویق کند.

در روزهای آخر مرتب از مردم می‌خواستند که در انتخابات شرکت کنند بویژه پس از اینکه رادیوهای خارج مسئله تحریم انتخابات را بشدت تبلیغ کردند. خامنه‌ای شرکت در انتخابات را وظیفه شرعی خواند، رای دادن را تکلیف مسلمانان اعلام کرد.

در هر صورت این نوع تبلیغات رژیم نشان داد که ۱۵ میلیون نفر از مردم ایران به تکلیف شرعی خامنه‌ای گردن نهاده و برای مذهب اسلام تره هم خورد نکرده‌اند، معلوم شد گرایش به روی برتابی از رژیم روبه افزایش است، معلوم شد که بخش بزرگی از ۲۱ میلیون رای خاتمی تأیید رهبر نیست، ترس مردم از رهبر و فلاحیان و دارودسته‌های مصباح یزدی و سعید امامی است. معلوم شد که برخی از مردم میان بد و

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

کودتای نپال ...

"چاندرال" وزیر مربوطه ولیعهد را بی‌گناه جلوه دهد و این حادثه را تصادفی بخواند. شورای سلطنت این کشور نیز که فوراً تشکیل جلسه داده بود، این افسانه را تأیید کرد.

ولیعهد در حال اغماض شاه نپال اعلام شد.

سپس این خبر پخش شد که قاتل پدر و مادر، شخص شخیص والا حضرت تشریف دارند که تحت تأثیر عشق به یک دختر با یک مسلسل خودکار، که بطور تصادفی در شب ضیافت دم دست ولیعهد قرار داشته کار پدر و مادر و سایر آشنایان را طوری ساخته‌اند که برای پادشاهی عمویش مانعی قانونی وجود نداشته باشد. جالب این است که گلوله‌های شلیک شده تصادفی به هیچکدام از بستگان عمومی "قاتل" اصابت نکرده‌اند.

سر انجام کمیسیون تحقیق که تحقیقات را طول می‌داد تا آنها از آسیاب بخوابد و قدرتمندان جدید نظارت کامل خود را برقرار سازند گزارش داد که شاهزاده "دیندرا" (Dipendra) پس از بالا انداختن دو گیلان و یسکی اعلا و مست کردن، مواد مخدر زده بوده و در حالت نشنگی و کشیدن حشیش اختار خود را از دست داده و خانواده خویش و سپس شخص خودش طوری به قتل رسانده که آثار جرمی باقی نماند.

البته وقتی مردم معترض شدند و به خیابانها آمدند چون به این افسانه باور نداشتند، فوراً حکومت نظامی اعلام شد و ولیعهد تیر به مغز خورده در بیمارستان ارتش به سوی خدا شتافت.

حال راه باز بود تا تنها نامزد ممکن پادشاهی شاهزاده "گیانندرا" Gyanendra که برادر پادشاه مقتول بود به پادشاهی نپال برسد. وی بر حسب تصادف در شبی که آن مسلسل بطور تصادفی به سوی پدر و مادر از عشق به یک دختر شلیک شده بود در خارج از نپال بسر میبرد تا فقره‌ای از آن خونها به دامش نچسبید. در پشت این داستان هزار یک شب که سرشار از دروغهای ارتجاع حاکم است تشدید تضادهای حاکمیت در نپال نهفته است. از نخست وزیر، تا شاه و شورای سلطنت مانند همیشه به مردم دروغ تحویل می‌دهند.

کشور نپال در میان هندوستان و جمهوری چین توده‌ای قرار دارد. نپال کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال است که بشدت در زیر تسلط "قدیمی‌ترین دموکراسی جهان" یعنی هندوستان قرار دارد که پای امپریالیسم انگلستان را به آنجا باز کرده است. هندوستان با نفوذ فراوان خویش از طریق حزب کنگره هندوستان و تسلط وی به حزب کنگره نپال توانسته قراردادهای استعماری فراوانی به کشور نپال تحمیل کند. مردم کشور نپال که ۲/۲۷ درصد ذخایر حیاتی آب جهان را دارد خود از مصرف آب بهداشتی محرومند و انرژی برقی که با کمک منابع طبیعی آبی آن کشور در چهارچوب پروژه "ماهاکالی" تولید میشود

هزینه‌ای معادل پنجسال بودجه این کشور فقیر را دارد که با قیمت نازل به هندوستان منتقل می‌گردد.

مبارزه مردم نپال و در راس آنها کمونیستها رژیم استبدادی سلطنتی قبلی را وادار کرد که از سال ۱۹۹۰ به یک سلطنت به اصطلاح مشروطه تن در دهد و پارلمانتاریسم بورژوازی را به رسمیت بشناسد. از آن دوره تاکنون در بار نخست وزیران عوض شده و هر کدام چاق و چله مسند وزارت را ترک کرده و جای خود را برای چابیدن مردم بدیگری داده‌اند. از پارلمانتاریسم بورژوازی پولش به حاکمیت و فقرش به مردم رسیده است. مردم اعتمادی به این نوع پارلمانتاریسم بورژوازی ندارند. تاریخ مصرف آن در نپال نیز پایان رسیده است. جالب این است که حزب رویزیونیستی که نام کمونیست بر خود نهاده است با رژیم نپال همکاری میکند. رویزیونیستها موفق نشدند با همکاری با ارتجاع جنبش انقلابی مردم نپال را خفه کنند. بعلت رشوه خورای نخست وزیر در قدرت رویزیونیستها نیز وحشت دارند که وی را مورد حمایت خود قرار دهند. جنبش انقلابی دهقانی خلق نپال که در روستاها از نفوذ فراوانی برخوردار است با توسل به قهر انقلابی و ایجاد پایگاههای قدرت نوین خلق در مناطق آزاد شده رژیم سلطنتی را بشدت تحت فشار قرار میداد، و از سال ۱۹۹۶ یعنی از زمانیکه قدرت خلق را شعار خود ساخته‌اند هر روز روستائی در پی روستای دیگر سقوط میکند، ایالت رولپا کاملاً در دست آنها قرار دارد. اعتصاب عمومی پایتخت در سال ۱۳۷۹ که مورد حمایت عمومی قرار گرفت مستقیماً به رهبری نیروهای کمونیست بانجام رسید.

حزب کمونیست نپال در صدد آن است که در یک انقلاب دموکراتیک نوین که متکی بر اندیشه‌های رفیق مانوتسه تونگ و تجارب انقلاب کبیر چین است کشور نپال را از اسارت فئودالیسم رها سازد. رهائی نپال در همسایگی هندوستان برای این کشور قابل تحمل نیست زیرا میتواند به تقویت جنبش انقلابی کمونیستها در هندوستان منجر شده و نهضتانی نظیر نهضت "ناکزال باری" را شعله ور سازد. مردم نپال با درآمد سرانه‌ای معادل ۱۲۰۰ دلار در سال از فقیرترین مردم آسیا محسوب می‌گردند که توسط یک رژیم سلطنتی موروثی اداره می‌گردند. برای یک کشور ۲۳ میلیونی فقط ۵۰۰۰ تخت بیمارستان وجود دارد و ۴۰ درصد مردمش زیر خط فقر زندگی می‌کنند. رشد جنبش انقلابی بویژه در روستاهای نپال و شکست نیروهای ارتش و پلیس در سرکوب آنها ارتجاع نپال را وادار ساخت که چکمه‌های خود را بپا کند و تدارک جنگ گسترده‌ای را علیه کمونیستهای نپال سازمان دهد. این امر با دست پادشاه گذشته مقدور نبود که به وی ایراد میگرفتند و یا شایع ساخته بودند که موافق استفاده از ارتش نپال علیه نیالی‌ها نبود و میگفت نیالی نباید نیالی را بکشد. امپریالیسم و ارتجاع هند برادر وی را با این کودتا به جای وی نشانند تا در صورت عدم موفقیت در

سرکوب جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک خلق نپال زمینه تجاوز کم و بیش آشکار هندوستان به نپال را فراهم آورد. اطلاعیه‌ای حزب کمونیست نپال که در روزنامه‌های کثیرالانتشار پایتخت منتشر شد این نقشه ارتجاع و امپریالیسم و افسانه دعوای عروس و مادر شوهر را فاش ساخت. حکومت جدید که بشدت از این افشاگری ناراحت شده بود، روزنامه افشاگر را ممنوع ساخت. کار بجائی رسیده است که حتی اپوزیسیون پارلمانی طالب استعفای نخست وزیر فاسد نپال آقای "جیریا پرساد کی‌نورالا" (Girija Prasad Kiorala) شده است. آنها اعلام کرده‌اند که چنین آدم فاسدی قادر نیست رضایت چپهای رادیکال را تامین کند (بخوانید فریب دهد و یا سرکوب کند - توفان).

خلق ۲۳ میلیونی نپال برهبری حزب کمونیست از هم اکنون ماهیت رژیم کودتاگر و دست‌نشانده کنونی را افشا کرده و مورد حمایت وسیع مردم در شهرها و روستاها قرار گرفته است. جنگ گسترده خلق در نپال در پیش است و بیچاره رویزیونیستهای روسی ناچار شده‌اند پشت سر سلطنت طلبان سینه بزنند. هم اکنون وضع فوق العاده در نپال برقرار است و کودتای عمومی شاه خاطره کودتای آمریکا علیه نگودین دیم در ویتنام را بیاد می‌آورد که آغازی برای حملات گسترده امپریالیسم آمریکا به ویتنام گشت. همان روش را ارتجاع انگلستان و هندوستان در مورد نپال انتخاب کرده‌اند و همان نقش ضد انقلابی را نیز رویزیونیستها بهعهده می‌گیرند.

انتخاب خاتمی ...

فریب مانورهای هراس برانگیز رژیم را خوردند، این عده متحد بالقوه همان ۱۵ میلیون به حساب می‌آیند. یخش دیگری از این عده معتقدند که خاتمی وقت کافی نداشته و با محافظه کاران نمی‌گذاشد و وی کار کند، این عده نیز مسلماً همین نظر را در انتخابات بعدی نخواهند داشت و چشم رگوشان باز خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی در تنگای زمانی قرار دارد باید تا دیر نشده راه چاره‌ای پیدا کند. محافظه کاران نمی‌توانند این تفاوت رای را که از هر انتخابات به انتخابات دیگر افزایش چشمگیری می‌یابد و در کنار آن بخش بزرگی از مردم از رژیم روی بر می‌تابند و در پی راه حلهای قطعی بر می‌آیند بی تفاوت نگاه کند و در نظر نگیرد. آنها می‌بینند علیرغم مزخرفات اثمه جمعه در هر هفته و تکفیر اصلاح طلبان و سرکوب بخشهای رادیکالتر آنها، ممنوعیت مطبوعات، کنترل کامل صدا و سیما، ترور و قتل مخالفان، انحلال مجلس و نظایر آنها نمیتوانند بر مشکلات غلبه کنند. راه بازگشت و توبه نیز بر آنها بسته است زیرا اگر توبه آنها را پروردگار مهربان و بخشنده بپذیرد، آن توبه را که مردم نمی‌پذیرند زیرا میدانند که توبه گرگ مرگ است.

"اپوزیسیون قلبی" چهره بزرگ کرده رژیم است

اکوادور...

لروماً به سرنگونی دولت منتهی نمی‌شود، و به مطلوب خود دست نمی‌یابد، ولی با کاری که ما کردیم، نارضایتی مردم افزایش یافت. دعوت به اعتصاب عمومی در هفتم فوریه، مورد استقبال قرار گرفت و باعث شد تا مردم اشکال خشن مبارزه را در پیش گیرند: از مصادره و آتش زدن اتوبوسها گرفته تا اسیر کردن نظامیان...

در برخی مناطق، ما موفق به بسیج ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر از بینوایان بومی شدیم و به اتفاق آنها انتخاب حکام محلی را مقدر ساختیم. در اینجا بود که ما با عامل تازه‌ای روبرو شدیم: بومیان محلی به مخالفت با رهبری سنتی خود برخاسته و حکام را از میان رققای ما انتخاب کردند. امری که تا بحال سابقه نداشته است... مبارزات اخیر تعدادی کشته نیز بجای گذاشت. سرخپوستان در یکی از مناطق برج نظارت یک فرودگاه را به آتش کشیدند. ناگفته نماند که در شماری از مناطق، جنبش توده‌ها از مساعدت کلیسا هم برخوردار شد. در ۶ منطقه فرماندهان نظامی حاضر به سرکوب مردم نشدند و این میرساند که ما موفق به تجزیه نیروهای مسلح شده‌ایم. در یک چنین شرایطی بود که بورژوازی بر آن شد تا راه حلی برای مسایل جاری پیدا کند. به نظر ما، مبارزات توده‌ای، مبارزاتی که ۶ هفته بدرازا کشید، نتایج خوبی برای مردم در برداشت. گو اینکه عاقبت، بعد از اینکه سازشی میان رهبری بومیان و دولت و کلیسا و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح و امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، به

امپریالیسم...

توهمات را بدور افکنند. امپریالیسم آمریکا دوباره برنامه جنگ ستارگان را در دستور کار خود قرار داده است، ناومی خواهد در آذربایجان پایگاه ایجاد کند و روزی نیست که برای مبارزه با نهضت‌های آزادیبخش و مبارزات اعتراضی مردم سلاح جدیدی اختراع نکنند. مسابقه تسلیحاتی همچنان ادامه دارد زیرا دنیای دو قطبی، قطب فقر و زجر و قطب ثروت و ظلم و جور به پایان نرسیده است. مطبوعات خبر می‌دهند که امپریالیسم آمریکا اسلحه جدیدی برای مبارزه با تظاهرات مردم به میدان آورده که آنرا اسلحه میکروویو می‌نامند. آنها می‌خواهند از این اسلحه در ماموریت‌های صلح استفاده کنند. طنزی به این بی‌شرمی دیده‌اید؟ اساس کار مانند همان دستگا‌های تندپز خانه‌های مردم است. اسلحه جدید با تراکم اشعه با طول موج میکرونی سلولهای بدن را بشدت به حرکت آورده و تظاهر کننده بدون آن که متوجه شود احساس گرما میکند، درست مانند اینکه دارند وی را در تنور

مردم خیانت شد. سازشی که اصلاً تازگی نداشت و باعث نارضایتی در میان مردم بود... نتایج و جمع‌بندی:

حزب ما عملاً در میان بومیان پایه‌های استواری پیدا کرد. طی این ۶ هفته مبارزان تازه‌ای به ما پیوسته و به عضویت حزب در آمدند. حزب ما اعتبار بیشتری بدست آورد. هم اکنون مردم شاهد مواضع قاطع حزب ما هستند. این تجربه‌ای است تازه برای استحکام و دوام مبارزه. رهبری در یک مبارزه مورد تائید قرار گرفت. ترور بعضی از رهبران میل به مبارزه را بیشتر کرده و ضرورت ادامه آن روحیه مردم را فرا گرفته است. برای رسیدن به پیروزی فقط مبارزه کافی نیست، بلکه باید سازماندهی شود و در عین حال احتیاج یک رهبری قاطع نیز وجود دارد.

در کنفرانس احزاب برادر، تشکلهای زیر شرکت داشتند:

حزب کمونیست کلمبیا م-ل.

حزب کمونیست اکوادور م-ل.

گروه م-ل انقلابی نروژ.

حزب کمونیست کارگران دانمارک.

حزب کمونیست آلمان.

سازمان کمونیستی اکثر (اسپانیا).

حزب کمونیست کارگران فرانسه.

سازمان احیاء حزب کمونیست کارگران ایتالیا.

حزب کمونیست انقلابی ولتائیک.

حزب کمونیست انقلابی ترکیه

حزب کار ایران (توفان).

نه به اروپای انحصارات!

امپریالیسم اروپا و در راس آنها آلمان و فرانسه میکوشند به اتحاد اروپا زیر سلطه این دو امپریالیست تحقق بخشند. اروپای واحد اروپای تنزل واحد سطح زندگی زحمتکشان است. اروپای متحد بهره‌کشی یکسان و متحد از کارگران است. اروپای واحد اروپای تمرکز سرمایه‌ها، تراکم آنها و رقابت با امپریالیسم آمریکا و ژاپن است. اروپای واحد برای این رقابت به تقذیه واحد از خون زحمتکشان نیاز دارد. بهمین علت در کشورهایی که بیوستن به اروپا را به رای عمومی می‌گذارند مقاومت مردم به رد این اتحاد منجر میشود. امپریالیسم "دموکرات" اروپا می‌ترسد برپایی اروپای متحد را به رای همگانی بگذارد. آنها با تبلیغات یکجانبه سعی می‌کنند گوش و چشم مردم را از "فواید" اروپای متحد که فایده سرمایه‌داران انحصاری است پر کنند. مبارزه مردم در قاره‌های آمریکا، اروپا و اقیانوسیه علیه انحصاری شدن سرمایه و تسلط مطلق آنها بر جهان مبارزه‌ای برحق است که باید از آن دفاع نمود. حزب کار ایران (توفان) با الهام از این سیاست فعالانه در تظاهرات نیروهای انقلابی در گوتنبرگ شرکت کرد.

اعلامیه زیر دعوت به این تظاهرات است:

گرد همائی سران اروپا در گوتنبرگ سوند، از ۱۳ تا ۱۶ ژوئن آینده برگزار میشود. این گرد همائی، تدارکی است برای یک تعرض دیگر به بیمه‌های اجتماعی، به حقوق کارگران و به قوانین و حقوق دموکراتیکی که توسط خلقهای اروپا بدست آمده‌اند. پای تعرضی در میان است که سرمایه انحصاری می‌خواهد آنرا به نام "گلوبالیزاسیون" و یا "لیبرالیسم نوحاسته" بر علیه طبقه کارگر و خلقها به اجراء در آورد. اتحادیه اروپا، تماماً به این جریان تعلق دارد. اکثریت ساکنان کشورهای ۳ گانه اسکاندیناوی دانمارک، سوئد و نروژ مخالف "ارو" (پول واحد اروپا-توفان) و مخالف اتحادیه اروپا هستند. ولی این ۳ کشور، در قبال طرح امپریالیستی انحصارات اروپائی "حلقه ضعیفی" را تشکیل میدهند. ما احزاب و سازمانهای مارکسیست-لنینیست (امضاء کنندگان این متن)، از همه کارگران و خلقهای اروپائی دعوت میکنیم تا با شرکت در تظاهرات روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئن سال جاری در گوتنبرگ-سوئد، با صدای رسا در رد "ارو" فریاد برآورده به مردم سوئد در مبارزه برای خروج از اتحادیه اروپا یاری دهند. نه، به اروپای انحصارات!

گروه مارکسیستی لنینیستی انقلابی نروژ
حزب کار ایران (توفان)

حزب کمونیست کارگران فرانسه

حزب کمونیست کارگران دانمارک

حزب کمونیست انقلابی ترکیه

حزب کمونیست آلمان

می‌پزند. این اشعه قادر است همه وسایل الکترونیکی را از کار بیاندازد و نابود کند. این موج در چپ‌ها (کوچک پردازنده‌ها) و در مدارهای الکترونیکی جریانهای برق تولید می‌کنند که مدارهای الکترونیکی را نابود می‌سازد. با استفاده از همین خاصیت کارشناسان نظامی آمریکا موفق شده‌اند بمبی بسازند که با انفجار آن میدان الکترو مغناطیسی شدید ایجاد می‌گردد که میتواند وسایل الکترونیکی را نابود کند. پرسش فقط این است که امپریالیسم آمریکا از ترس چه کسی میلیاردها دلار بودجه صرف تسلیحات خویش می‌کند؟ آیا از ممالک "یاغی" نظیر ایران، عراق، کره شمالی می‌هراسد و یا از سایر امپریالیستها، از چینی‌ها و در درجه اول از نهضت‌های آزادیبخش جهان؟ از فرجام مبارزه طبقاتی که سازشکاران به نفعی آن در جهان مشغولند؟ آیا همه این تدارکات برای گفتن آخرین کلام در آخرین روز نبرد نیست؟ مبارزه طبقاتی تا نابودی امپریالیسم این مسبب جنگ ادامه دارد.

جدایی دین از دولت و آموزش!

تاکتیک در مبارزه...

خواهند کرد بدون آنکه به ساحل مقصود برسند. در انقلاب چین برای بسیج توده‌های مردم در یکی از مناطقی که کمونیستها نفوذ داشتند جیره بندی کردن مشروب دهقانان که نارضائی وسیعی تولید کرده بود زمینه‌ای شد تا کمونیستها به بسیج دهقانان پرداخته و خواسته‌های آنها را به پیروزی برسانند. این اقدام به دهقانان اعتماد به نفس میداد، قدرت واقعی خودشان را برای خودشان روشن می‌کرد، آنها را به اهمیت اتحاد و مقاومت در مقابل خانها و اربابان راقف می‌گردانید، زمینه طرح خواسته‌های مهمتر در آنها بوجود می‌آمد و ... این تاکتیک، تاکتیک درستی در مبارزه بود.

برخی چپ‌روها در زمان لنین می‌گفتند که از آنجا که حق ملل در تعیین سرنوشت خویش در دوران امپریالیسم امر محالی است، ما نباید خودمان را به این امر مشغول کنیم.

لنین بدرستی به دوران ارتجاع انحصارات و سیاست ارتجاعی امپریالیسم که سرکوبگر دموکراسی بود اشاره می‌کرد، وی می‌گفت که آنها طالب آنند که دیکتاتورها و مستبدین بر سر کار باشند ولی خواست آنها یک طرف و مبارزه ما با آنها برای کسب امتیازات بیشتر در طرف دیگر این معادله قدرت است. اگر قرار باشد مارکسیست لنینیستها چنین استدلال کنند که حقوق دموکراتیک از جمله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، حقوق زنان و از جمله حق طلاق و حضانت کودکان و انتخاب مسکن و... و یا حق رای همگانی و مستقیم و یا مطالبات کارگری در دوران امپریالیسم و تسلط سرمایه‌داری ممکن نیست، زیرا امپریالیسم و سرمایه‌داری مترجع و دشمنان آزادی هستند با این شعار چپ‌روانه فقط به سرور و شادی مرتجعین خدمت کرده‌اند و خود را از هر کار عملی بی‌نیاز قلمداد کرده‌اند. چون دموکراسی واقعی بزعم آنها در عصر امپریالیسم ممکن نیست، پس کمونیستها باید از مبارزه برای خواسته‌های دموکراتیک و مطالبات کارگری و نظایر آنها چشم‌پوشند و منتظر معجزه در خانه‌های خود انتظار بکشند که یا امپریالیسم خود بخود سرنگون شود و یا اینکه مردم خود بخود به نظریات کمونیستها برسند.

لنین بهمین جهت در مورد کسانی که مبارزه دموکراتیک را در دوران امپریالیسم نفی می‌کردند می‌گفت: "تنها افرادی که به هیچوجه توانائی فکر کردن ندارند یا به هیچ وجه اطلاعی از مارکسیسم ندارند، میتوانند از آن چنین نتیجه‌گیری کنند: پس جمهوری، آزادی حق طلاق، دموکراسی، آزادی حق تعیین سرنوشت ملیتها هیچ ارزشی ندارد! ولی

مارکسیستها می‌دانند که دموکراسی نظام طبقاتی را از بین نمی‌برد، بلکه فقط مبارزه طبقاتی را خالصتر، گسترده‌تر، واضح‌تر و براتر می‌گرداند و این همان چیزی است که ما بدان نیازمندیم. هر چه آزادی طلاق کاملتر باشد، برای زن واضح‌تر میگردد که سرچشمه "بردگی خانگی" او سرمایه‌داری است و نه فقدان حقوق. هر چه نظام دولتی دموکراتیک‌تر باشد برای کارگران روشنتر می‌گردد که پایه بدبختی آنها سرمایه‌داری است و نه فقدان حقوق، هر چه تساوی حقوق ملل کاملتر باشد (این تساوی بدون آزادی جدا شدن کامل نیست)، برای کارگران ملت تحت ستم روشنتر می‌گردد که اشکال اساسی سرمایه‌داری است و نه فقدان حقوق. و الا آخر" (کاریکاتوری از مارکسیسم و در باره اکونومیسم امپریالیستی اثر لنین چاپ فارسی صفحه ۸۰ تا ۸۱ نشریه ۶۲ توفان).

روشن است که مبارزه بر علیه هرگونه ستمگری و تضییق حقوق مردم، مبارزه‌ای در خدمت دورنمای اساسی، در خدمت استراتژی حزب طبقه کارگر است و نباید این هدف را از نظر فروگذارند و صرفاً در خرده‌کاریها غرق گردد. ولی بدون اتخاذ تاکتیکهای درست مبارزه، امکان آموزش و بسیج مردم، آموزش به مردم و آموختن از مردم، تعمیق شناخت اجتماعی و افشاء همه جانبه حاکمیت امکانپذیر نیست. از این بحث تئوریک که مجموعه تاریخ نهضت کمونیستی صحت آنرا به اثبات رسانده است می‌خواستیم این نتیجه را بگیریم که در مورد ایران و مثلاً انتخابات ریاست جمهوری نمیتوان مدعی شد که چون ما با کلیت این نظام در مخالفت هستیم لزومی به این نفی‌بینیم که مسئله تحریم را طرح کرده و از آن دفاع کنیم. این شعار بنظر ما فقط در ظاهرش چپ است ولی ارزش عملی مبارزاتی ندارد. میشود بعنوان مخالف رژیم در انتخابات شرکت نکرد و یا بنا بر درستی باین نظر رسید که باید در انتخابات در این بار شرکت کرد. ما نمی‌خواهیم فعلاً بر درستی و یا نادرستی این دو موضع تکیه کنیم چرا که نظریات خود را در همین شماره و یا شماره‌های قبلی توفان بیان داشته‌ایم. چنین افرادی میتوانند با پی‌بردن به اشتباه تحلیلشان در بار آینده مواضع درست اتخاذ کنند. زیرا به یک خطای تاکتیکی سیاسی دچار شده‌اند. ولی یک چیز در هر صورت نادرست است که اگر ما بخواهیم بی‌تفاوتی نسبت به تحریم و دخالت در کار سیاسی را تا درجه یک تئوری بظاهر چپ و فاقد ارزش ارتقاء دهیم. این جاست که به خطائی بزرگتر دچار شده‌ایم که از این انتخابات تا انتخابات بعدی قابل درمان نیست. با انحرافی

خطرناک در جنبش کمونیستی روبرو می‌شویم که میتواند سر از مبارزه چریکی در آورد که تجربه ناموفق آنرا مردم ما پشت سر گذارده‌اند.

با این استدلال که چون کلیت رژیم برای ما زیر پرشش است، نمی‌توان از خود در مبارزه روزمره سلب مسئولیت کرد و فقط با شعارهای تند و تیز گوشه نشین شد. با این حساب نباید به ممنوعیت مطبوعات نیز اعتراضی کرد، نباید به شکنجه مردم در زندانها معترض بود، نباید برای حقوق دموکراتیک از جمله حقوق زنان تبلیغ و مبارزه کرد نباید... آنها با این استدلال سراپا نادرست که "از یک رژیم ارتجاعی بیش از این نمیشود انتظار داشت!"

این استدلال نه تنها دست رژیم را برای هرگونه سرکوبگری نوین باز می‌گذارد، بلکه حامی این شعار را کم کم به حامی خام و ساده لوح رژیم بدل می‌کند. این حامی کم کم دیگرانی را که برای حقوق دموکراتیک مبارزه می‌کنند با این استدلال که گویا چشم امید به این رژیم دارند تخطئه می‌کند و این نوع استدلال جائی در میان مردم ندارد و نه از نظر تئوریک درست بوده و از نظر سیاسی نیز به ارتجاع سیاه منجر می‌گردد.

ما خواستیم در این زمینه نقطه نظر خود را نسبت به نظریات چپ‌روانه نیز بیان کرده باشیم. چون این بحث بحثی اصولی خواهد بود.

اعلامیه‌های منتشر شده از طرف حزب کار ایران در هفته‌های اخیر

- اطلاعیه: "اعترافات" علی افشاری ورشکستگی جمهوری اسلامی است. ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰
- انتخابات ریاست جمهوری انتخاب بین وبا و طاعون است، آن را تحریم کنید. مورخ ۱ خرداد ۱۳۸۰.
- فراخوان مشترک در مورد انتخابات ۷ خرداد ۱۳۸۰.
- تظاهرات عظیم دانش آموزان در ایران مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۸۰.
- کارگران چیت ری در مقابل مجلس دست به تظاهرات زدند ۲۳ خرداد ۱۳۸۰

از کمک‌تان متشکریم

رفیقی از فرانسه ۴۰۰ فرانک

فعالیت برای تحریم

بخشی از گزارشات فعالیت رفقای ما در واحدهای گوناگون در زمینه تحریم انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری در روزهای پنجشنبه و جمعه ۷ و ۸ ژوئن در شهر استکهلم، حزب به اقدامات زیر دست زد. اطلاعیه‌های مربوط به این فعالیتها در این شماره نشریه بازتاب یافته است.

در روز پنجشنبه در مرکز شهر استکهلم یک آکسیون بر علیه "انتخابات" ریاست جمهوری برگزار گردید که در آن حدود ۷۰ نفر شرکت داشتند و به پخش اعلامیه‌های سوئدی و فارسی در سطح شهر پرداختند و از نظر تبلیغاتی بسیار مفید واقع شد.

در روز جمعه ۱۸ خرداد در جلوی سفارت جمهوری اسلامی، حزب کار ایران در آکسیون اعتراضی شرکت کرد که در آن یک رادیوی محلی به همراه منفردین سیاسی چپ رادیکال و سایر سازمانهای امضاء کننده فراخوان مشترک شرکت داشتند. تعداد نفرات به ۵۰۰ نفر میرسد که از ۱۰ صبح تا ساعت ۱۸ بعد از ظهر ادامه داشت. حزب کار تحریم انتخابات را از حالت منفعل به اقدامی فعال و تهاجمی علیه رژیم بدل ساخت. این آکسیون بسیار موفقیت آمیز بود. رفقای حزب کار با پخش اعلامیه مشترک با سایر تشکلهای در استکهلم و لین شوینگ و ارگانهای مرکزی حزب فعالانه در آن نقش داشتند.

دو تن از اعضاء مرکزیت حزب در خارج،

رفقا قدرت قاسمی و رضا کنجکاو به مصاحبه‌های رادیویی دست زدند و مواضع حزب را در مورد انتخابات ریاست جمهوری و دلایل تحریم آن از جانب ما را به تفصیل توضیح دادند که در سطح سوئد بازتاب وسیعی داشت.

"انتخابات" ریاست جمهوری در سطح استکهلم با شکست مفتضحانه‌ای روبرو گردید و تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین پیروزیهای جنبش چپ و انقلابی در چند سال اخیر در سطح استکهلم بوده است. حتی فضای سیاسی طوری بود که حزب کار مدتها بعد فعالانه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و نان به نرخ روز خورها زمینه افشاگری داشت. جالب این است که جناح توده‌ای-اکثریتی-وزارت اطلاعاتی رژیم برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در خارج از کشور فعالیت می‌کردند و بسیج مینمودند. این آغاز همکاری کامل این عده با رژیم جمهوری اسلامی و لو دادن افراد می‌باشد. این عده در همکاری با ضدانقلاب جمهوری اسلامی دستشان تا مرفق به خون جوانان وطن ما آغشته است. جا دارد که در یک کارزار تبلیغاتی این موج جدید خیانت را آشکار ساخت. خوانندگان توفان میتوانند با مکاتبه با آدرس حزب اسناد فتوکپی شده از همدستی این دارو دسته‌ها را با

جمهوری اسلامی همراه ارسال ۷ مارک تبر دریافت کنند و آنها را برای آگاهی عموم توزیع نمایند. مردم ایران حق ندارند لو دادن انقلابیون ایران را توسط توده‌ای-اکثریتی‌های رنگارنگ فراموش کنند. در بخش دیگری از گزارش رفقا می‌آید: در روزهای پنجشنبه ۷ ژوئن برابر با ۱۷ خرداد، ما نیروهای سیاسی امضاء کننده این جمع بندی بر طبق فراخوانهایی از طریق رادیوهای محلی از عموم ایرانیان مبارز و آزادیخواه و نیز نیروهای چپ و رادیکال و انقلابی دعوت به شرکت در حرکتی اعتراضی بر علیه "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی نمودیم که با استقبال خوب ایرانیان مبارز و آزادیخواه روبرو گردید. این آکسیونهای مشترک اعتراضی که در مرکز شهر استکهلم و مقابل سفارت جمهوری اسلامی صورت گرفت، باعث افشاء آن دسته از ایرانیانی گردید که برای منافع حقیرشان، تلاش نمودند با سازماندهی، عده‌ای را راهی سفارت نمایند. اما این اقدامات ارتجاعی این جماعت نان به نرخ روز خور و جیره‌خوار رژیم با شکست مفتضحانه‌ای روبرو گردید. به نظر رفقای ما این اتحاد عمل ضد رژیمی بسیار مثبت بود و تأثیرات خوبی در میان مردم نهاد و باعث ترس مرگ توده‌ای-اکثریتی-وزارت اطلاعاتی شد.

در تاریخ چهارشنبه ۶ ژوئن ۲۰۰۱ (۱۶ کتون لب نگشوده، بلکه بیشمارانه منکر وجود زندانی سیاسی در ایران گردیده! و خواست تغییر قانون اساسی را خیانت به ملت بیان داشته است! لذا، شرکت در "انتخابات" و رای دادن به سید محمد خاتمی، یک اقدام سیاسی بنفع کل رژیم اسلامی ... می‌باشد. رای دادن به خاتمی بیعت با جناح مافیای در قدرت است، بدین رو آن را محکوم و تحریم می‌کنیم.

۳- آن دسته از ایرانیانی که به خاطر منافع حقیرشان به تبلیغ شرکت مردم در انتخابات اسلامی می‌پردازند و حتی باکمال بیشمرمی تا آنجا پیش می‌تازند که تحت نام "کمیته هماهنگی"، در این رابطه به فراهم کردن اتوبوس و اقدامات تدارکاتی مبادرت

موجود مقصر و شریک جرمند.

ما امضاء کنندگان فراخوان بر این باوریم که:

۱- "انتخابات" ریاست جمهوری، کوچکترین نشانی از یک انتخابات سالم و دموکراتیک ندارد، این نمایش انتخاباتی، نقض حق رای میلیونها انسان بالغ و تشنه آزادی است. از این رو، ما چنین مضحکه‌ای را قویاً محکوم و آن را تحریم میکنیم.

۲- "انتخابات" ریاست جمهوری در شرایطی صورت میگیرد که هزاران زندانی سیاسی در بند، در غیر انسانی ترین شرایط زیست بسر میبرند... و خاتمی در قبال این وضعیت ناهنجار موجود نه تنها تا

خرداد ۱۳۸۰) در ساعت شش و نیم بعد از ظهر از طرف امضاء کنندگان فراخوان مشترک یک جلسه بحث آزاد خوانده شد. موضوع بحث عبارت بود از: "ما و "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی، جامعه ایران به کدام سو در حرکت است؟" در این فراخوان از "همه ایرانیان آزاده و علاقمند به مسایل سیاسی ایران دعوت شده بود که در این گرد همائی شرکت جویند". در این جلسه بشدت به کارچاق کن های رژیم جمهوری اسلامی و آن دسته از ایرانیانی که آلت دست سیاست وزارت اطلاعات و اکثریتها شده‌اند که تحت نام "کمیته هماهنگی" مردم را به شرکت در انتخابات فلابی جمهوری اسلامی دعوت میکردند حمله شد. آنها بشدت افشاء شده و پته شان بر آب ریخته شد. حتی یک نفر نیز حاضر نشد از خاتمی حمایت کند. همه تشکلهای شرکت کننده در بحث به ضرورت برخورد افشاءگرانه به خاتمی و استحاله طلبان و انجمنهای بی‌نام و نشان و غیرسیاسی که نصفشان زیر زمین است و برای رژیم جشنواره فیلمهای ایران، موسیقی ایران، تئاتر ایران و خوانندگان صادراتی ایران و سخنرانان ایران می‌گذارند و از محنت مردم ایران بی‌غمت، تکیه کرد. این دارو دسته‌های بدنام اخیراً فعالیتشان را تشدید کرده‌اند. جا دارد که نقاب آنها را درید.

می‌ورزند، ... به بلندگوی تبلیغاتی جاسوسخانه سفارت جمهوری اسلامی بدل گشته و این عمل جز خوشخدمتی به دستاربندهان فاسد و جنایتکار حاکم معنایی ندارد. از این رو ما امضاء کنندگان فراخوان مشترک چنین اقدامی را نیز قویاً محکوم و آن را در خدمت منافع رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی می‌نمائیم.

سازمان اتحاد فدائیان خلق (لینشوینگ) حزب کار ایران (توفان) - (استیلند).

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) (واحد لینشوینگ)

شورای پناهندگان ایرانی در لینشوینگ جمعی از ایرانیان چپ رادیکال در لینشوینگ.

بخشی از فراخوان مشترک تحریم انتخابات

ایرانیان آزاده مقیم استان استریتلند سوئد روز جمعه ۱۸ خرداد، هشتمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی فرا میرسد....

این نمایش انتخاباتی در اوضاع و احوالی برگزار میشود که عفريت فقر، گرانی، بیکاری، فساد، فحشاء، دزدی، عدم امنیت، بی حقوقی و به بند کشیدن دگرانديشان و سرکوب اعتصابات کارگری و ... در ایران بیداد میکند و همه جناحهای در قدرت، چه جناح اقتدارگرا و چه جناح اصلاح طلب و "تمدن گرا" همگی در ایجاد جهنم

به حزب طبقه کارگر ایران پیوندید!

تظاهرات ایستاده در اعتراض به نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران

تظاهرات عظیم دانش آموزان در ایران

نمایش دوران جدید انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران در شرایطی برگزار میگردد که بحران سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه هر روز بیشتر اوج میگردد و کل جامعه ایران را در معرض یک انفجار عظیم قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی در هراس از اوج گیری هر چه بیشتر مبارزات توده‌های وسیع کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان علاوه بر بکارگیری مداوم سلاح قهر و سرکوب تلاش میکند با ترفندهای کهنه شده باز هم مردم را به پای صندوقهای رای گیری بکشاند. این بار محمد خاتمی تنها چهره عوام فریب و غرب پسند رژیم جمهوری اسلامی بجای لیختن و شعار جامعه مدنی با اشک، گل یاس و شعار یا علی مدد پا به میدان انتخابات گذاشته است.

مضحکه انتخاباتی سال ۸۰ در زمانی بوقوع میبویند که حتی اکثریت روزنامه‌های متعلق به جناح دولتی نیز توسط دادستانی انقلاب تعطیل گشته و بسیاری از دست اندرکاران مطبوعاتی و همکاران نزدیک جناح خاتمی به همراه عده کثیری از عوامل موثر تثبیت نظام از جمله سران نهضت آزادی در زندان بسر میبرند. خاتمی در مانده و مایوس تر از گذشته تلاش می‌کند با اشک ریختن و التماس و زاری سران رقیب را بر سر عقل آورده و رژیم را از سقوط حتمی برهاند.

کمدی تراژدی انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی صورت میگردد که علیرغم خواهش و تمناهای مکرر طرفداران دوم خرداد حتی یک نماینده رسمی و شناخته شده نیز از طرف خامنه‌ای و طرفدارانش تا کنون معرفی نشده است و علیرغم ماهیت ارتجاعی و وابسته به نظام کلیه کاندیداهای ریاست جمهوری از معروفترین تا ناشناخته‌ترین آنها تنها چند مهره دست دوم و برخی از عوامل مستقیم سرکوب و ترور نظیر فلاحیان و تیمسار پاسدار شمخانی رقبای انتخاباتی جناب خاتمی محسوب میشوند.

نمایش انتخابی سال ۸۰، نمایش اوج ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی است. این نمایش دیگر برای نظام اسلامی هیچگونه ثمره‌ای در داخل کشور ندارد و تنها برای جلب نظر دول امپریالیستی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است.

رژیم جمهوری اسلامی با براه انداختن این نمایش مسخره با کمک رسانه‌های امپریالیستی تلاش میکند به افکار عمومی در سطح بین المللی بقبولاند که جمهوری اسلامی مشروعیت خود را از مردم ایران کسب می‌کند. در این میان کلیه جریاناتی که در خارج از کشور مردم را به شرکت در انتخابات تشویق میکنند عملاً آب به آسیاب رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی و دول غارتگر امپریالیستی میریزند. اما آنها هیچگاه مزد خوشخدمتی خویش را دریافت نخواهند کرد. رژیم جمهوری اسلامی ورشکسته‌تر و رو به اضمحلالتر از آنست که بتواند با این ترفندها به حیات خود ادامه دهد. و بزودی با اوج گرفتن انقلاب کارگران و رنجبران تحت ستم ایران به گورستان تاریخ رهسپار خواهد شد.

ما با دعوت از تمامی ایرانیان آزادیخواه و دموکرات و همچنین کلیه نیروهای چپ و انقلابی می‌خواهیم با شرکت در آکسیون افشاءگرانه و اعتراضی ۷ ژوئن فریاد حق طلبانه مردم ایران را به گوش مردم سوئد برسانند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران

فعالین هسته اقلیت واحد سوئد

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران واحد سوئد

سازمان فدائیان اقلیت، سوئد

حزب کار ایران (توفان) واحد سوئد

زمان پنجشنبه ۷ ژوئن، ساعت ۵ بعد از ظهر، مکان میدان سرگل

امروز ۲۱ خرداد ماه ۱۳۸۰ دهها هزار دانش آموز مدارس تهران به خیابانها ریخته و بشدت علیه سختگیریهای امتحانات پایان دور متوسطه اعتراض کردند. آنطور که خبر رسیده است دانش آموزان امروز پس از امتحان فیزیک متوجه می‌گردند که نوع پرسشها با هدف مردود کردن آنها طرحریزی شده است و از همان جلسه امتحان به ناحیه‌های مربوطه آموزش و پرورش میروند و با شعار و شکستن در و پنجره میخواهند که رئیس آموزش و پرورش از کار برکنار شود. دانش آموزان شعار می‌دادند "توپ و تانک و فشفشه وزیر باید کشته شه"، "مظفر را بردارید بجاش هویج بکارید". تظاهرات از ۹ صبح تا ساعت دو نیم بعد از ظهر به طول می‌انجامد. این اعتراضات به شهرستانها نیز سرایت می‌کند. آنگاه وزیر آموزش و پرورش با ترس و لرز در رسانه‌های گروهی ظاهر شده و قول می‌دهد جلسه فوق العاده‌ای را برای رسیدگی باین مسئله فراخواند، در موضعگیری اضطراری بعدی برای تسکین دانش آموزان که تظاهراتشان سراسری شده بوده است قول می‌دهد توضیحات لازم را از رئیس امتحانات و طراح سئوالات فیزیک به عمل آورد. برای شاهدان عینی جالب بود که صرفاً طرح سئوالات سخت امتحانی بدون آمادگی و سازماندهی قبلی به چنان جنبش بزرگی بدل شده است. این نشانه آن است که نارضائی در ایران ریشه‌هایی عمیقی دارد و هر روز ممکن است به انفجار جدیدی منجر شود. این حادثه در عین حال وحشت رژیم و عقب نشینی فوری وی را برای خواباندن صدای دانش آموزان نشان داد. این جنبش ناگهانی در عین حال از ضعف حزب قدرتمند مارکسیستی لنینیستی حکایت می‌کند که در عرصه مبارزه برای کسب رهبری این گونه جنبشها هنوز نتوانسته مهر خود را بر آن بزند و مانع شود که جنبشهای دموکراتیک و اعتراضی فریب رژیم را بخورند. ایران آبستن حوادث بزرگی است

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کار ایران (توفان) - ۲۱ خرداد ۱۳۸۰

به "توفان" کمک مالی کنید!

تهدید و شمشیر اسلامی ما را از مبارزه برحقمان باز نخواهد داشت

در فرانسه حزب کار ایران اقدامات افشاگرانه زیادی علیه رژیم جمهوری اسلامی انجام داد. رفقای ما مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران به اکسیون مشترکی بر ضد رژیم همراه با سازمانهای مترقی دیگر دست زدند. آنها در اقدامات افشاگرانه خود رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را بشدت افشا کردند بطوری که عمال جنایتکار آنها در خارج از کشور از کوره بدر رفته و رفقای ما را تهدید به قتل نمودند. در زیر ما اعلامیه نیروهای مترقی را که علیه جاسوسان وزارت اطلاعات صادر کرده‌اند تا همه ببینند که در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی نیز تهدید به قتل یکی از ارکان سیاست رژیم جمهوری اسلامی است به چاپ می‌رسانیم. این عصبانیت هیستریک جاسوسان وزارت اطلاعات که فکر می‌کردند حزب کار ایران و سایر نیروهای انقلابی از قماش توده‌ای-اکثریتی هستند حاکی از آن است که فعالیت رفقای ما و سایر نیروهای انقلابی در فرانسه آبروی رژیم را پاک بر باد داده و تیر ما به هدف نشسته و عجز و لایه تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی را به هوا برده است. رفقای ما نوشته‌اند:

هم میهنان مبارز، آزادیخواهان.

چند روز پیش به همت چند نیروی سیاسی ایرانی آزادیخواه، دمکرات و کمونیست فراخوانی برای تجمع در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در پاریس صادر شد. در این اطلاعیه یک نشانی الکترونیکی برای تماس اعلام شده بود. در چند روز گذشته سواى چند پیام همبستگی و پشتیبانی دو پیام تهدید آمیز نیز دریافت شد. ما به پیوست، این دو پیام را منتشر می‌کنیم. این دو نامه در واقع عصاره‌ای است از بیست و سه سال زبان، فرهنگ و سیاست اسلامی که در ایران بر مخالفان رژیم اعمال می‌شود. این دو نامه در واقع سندی است علیه گروه‌ها، احزاب و سازمانهایی که مردم ایران را به شرکت در مضحکه‌ای به نام "انتخابات ریاست جمهوری" دعوت کرده‌اند. این بار علاوه بر دو جناح اصلی رژیم جمهوری اسلامی، گروه‌های خارج آن از قبیل حزب توده و دنباله‌های قدیم و جدیدش و نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها در یک جبهه متحد شده‌اند و مردم ایران را به شرکت در این مضحکه فراخوانده‌اند تا مردم ایران بار دیگر بین بد و بدتر یکی را "برگزینند" و در بر همان پاشنه بچرخند! کیست که نداند در ایران مردم حق رای دارند اما حق انتخاب ندارند. حق انتخاب در ایران متعلق به ولی فقیه و نمایندگان او در شورای نگهبان است تا در ابتداء چند تن از سرسپرده‌ترین‌ها را دست چین کرده و سپس از مردم بخواهند که آنان را تأیید نمایند.

باری، نامه‌هایی از قبیل دو "پیامی" که از سوی shahed_rah@yahoo.com (یا شاهد منتقم) به نشانی الکترونیک ما رسیده است، نه تنها ما را از ادامه راه باز نمی‌دارد، بلکه عزم و اراده ما را محکمتر از قبل میکند تا نمایش مسخره انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی را افشا کرده و فریادمان را چنان بلند کنیم که ارادل و اوباش اسلامی در هر کجا که هستند آن را بشنوند.

بار دیگر همه هم میهنان مبارز و آزادیخواه را به تجمع روز جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ (۸ ژوئن ۲۰۰۱) از ساعت ۱۴ در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی در پاریس فرا می‌خوانیم.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

کمیته برگزاری تظاهرات (روز "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران) متشکل از:
جمعی از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم فرانسه.
کمیته سگار.

کمیته فرانسوی-ایرانی ضد اختناق.

حزب کار ایران (توفان)-واحد فرانسه.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت)-فرانسه.

۲۰۰۱/۶/۶

پست الکترونیکی برای تماس با کمیته برگزاری: comite8juni@yahoo.fr

حال به نامه‌ای تهدیدآمیز هواداران خاتمی توجه کنید.

اطلاعیه: منتقم ۱

پیرامون انتخابات

بنام خدا و با ید او

ای آستین بر چهرگان روزگار، ای لشگریان ابرهه که بقصد مبارزه با دین خدا برخاستید آیا از یاد برده‌اید ضربات ابابیل زمان را که بر سرهای پوکتان کوفته شد؟ آری، با شما هستم، با شمائی که فراخوان به گردهمایی و... داده‌اید.

به نکات زیر توجه فرمائید تا دیگر اضعاف احلام نبینید:

۱- در فراخوان بی ارزش شما بیان شده است که صدای خلقها و ملیتهای محروم و صدای عموم مردم ایران را به گوش جهانیان برسانیم و...افشاء کنیم.

اولا ملت ایران دارای زبانی صریح و گویا میباشد و در طی ۲۲ سال گذشت از نظام مقدس جمهوری اسلامی فریاد مبارزه بالاستکبار، استثمار و استبداد سر داده است که پرده درازگوشانی همچون آمریکا، اسرائیل و گروههای ریزه‌خواری چون شما (که حتی نخودی نیز حساب نمیشود) را به لرزه در آورده است. پس، ملت شریف ایران هیچگاه نیاز به وکیلانی چون شما ساقط

شده‌ها ندارد.

۲- به لطف حضرت خیرالماکرین، مکر و کید شما پوک مغزها و مغز نخودی‌ها، به خودتان باز خواهد گشت و بار دیگر مانند دگر بارها (۲۲ سال) رسوای زمانه نام خواهید گرفت.

۳-روز ۱۸ خرداد، روز اقتدار ملت ایران، روز "نه" گفتن به احزاب و سازمانهای لائیک و کمونیست، روز "نه" گفتن به تمامی گروههای معاند، ارادل و اوباش خارج نشین، روز "آری" گفتن به نظام برای نابودی کامل شما معاندین و دشمنان ملت میباشد. هر رای تیری خواهد شد که به قلب سیاه و تیره شما دیو صفتان خواهد نشست.

منتظر بمانید....

مدتی بعد اطلاعیه دیگری صادر کردند که به مضمون زیر بود:

اطلاعیه: منتقم ۲

پیرامون انتخابات

بنام خدا و با ید او

صورت بر دیوار میکوبید چرا که ناکامید، قلم بر دست میگیرید اما لرزانید، قدم در راهی نموده‌اید که آمرین ایستگاه شما نیستگاه است. لرزانید از آن که بار دیگر مشت آهنین ملت ایران که نشان از پایداری و استقامت زنان و مردان دلیر این سرزمین دارد بار دیگر دهانهای باوه گویتان را جاکن نماید و این بار نیز مانند سنوات قبل از روی حشمت سرهابتان را مانند کیک بزیر خاک سیاه عزلت نموده و از شدت شرم، اشک تمساح ریزید، و از روی خشم موهای خویش را پریشان نمائید.

آری تیک تا ک ساعت نشان از نزدیک شدن پیروزی می‌دهد که میرود بار دیگر، پیروزی و اقتداری دیگر برای ملت مبارز، مسلمان و ثابت قدم ایران رقم خورد و شکستی دیگر برای معاندین (کمونیستها، لائیکها، فدائیان خلق، منافقین و تمامی گروههای پوچگر...)،

هر رای در ۱۸ خرداد تیری است از جانب ملت بر سینه پر از کینه و نفرت شما اشقیا.

منتظر بمانید....

همین مشت نمونه خروار حاکی است که دشمنان مردم ایران نه زبان فارسی بلدند و نه تحجر مغزی اجازه می‌دهد قضاوت درستی در مورد بیست و سه سال جنایات رژیم جمهوری اسلامی که از سیاهترین دوران تاریخ ایران است داشته باشند. نامه‌های بزدلانه و تهدید آمیز آنان بهترین گواه این مدعاست. بیچاره عنصری که فکر کند ظلم در جهان پایدار می‌ماند و جهل سیاه ۱۴۰۰ ساله میتواند در قبال پیشرفت مستمر دانش بشری مقاومت کند.

همت بکن! یاری رسان توفان را!

